



# ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

سال پنجم شماره ۱۰۶

۸ شهریور ۱۳۹۸ / ۳۰ اوت ۲۰۱۹

## حقوق ما

اعدام‌های ۶۷؛ آیا می‌توان حقوق بشر  
را به بهانه شرایط جنگی زیر پا گذاشت؟

## ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: احسان حسین‌زاده، رضا حاجی‌حسینی، شهرزاد کریمی (تمام مصاحبه‌ها)

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)

## حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

اعدام‌های ۶۷، نقض حقوق بشر و اصول حقوقی  
در «شرایط اضطرار عمومی»

شادی صدر: اگر ایران در جنگ بوده،  
کشتار ۶۷ جنایت جنگی است

اعدام‌های ۶۷؛ ابراز شادمانی زندانیان از یک عملیات، منطبق  
با هیچ عنوان مجرمانه‌ای نیست

دادرسی عادلانه را نمی‌توان به بهانه شرایط  
اضطرار نادیده گرفت

اصل شخصی‌بودن جرم را حتی در شرایط اضطرار  
نمی‌توان نقض کرد

مطرح‌کردن شرایط جنگی برای توجیه اعدام‌های ۶۷، بهانه است



## اعدام‌های ۶۷، نقض حقوق بشر و اصول حقوقی در «شرایط اضطرار عمومی»



احسان حسین‌زاده

اظهارات جدید مصطفی پورمحمدی، از اعضای هیات چهارنفره معروف به هیات مرگ،<sup>۱</sup> مسوول تصمیم‌گیری در مورد اعدام‌های ۶۷ و استدلال اخیر ایشان در توجیه اعدام‌ها به خاطر حاکم بودن شرایط جنگی بر کشور و وقوع عملیات تروریستی، دوباره این بحث را در محافل حقوقی و سیاسی مطرح کرده است که اساساً شرایط اضطرار عمومی تا چه اندازه می‌تواند موجب تعلیق حقوق بنیادین انسان‌ها شود. بنابراین نوشته پیش رو علاوه بر نگاهی به موضع حقوق بین‌الملل در این مورد و داشتن نگرشی تطبیقی، این مساله را مورد مذاقه قرار خواهد داد که آیا شرایط حاکم بر ایران در سال ۶۷ واجد شرایط اضطرار عمومی بوده است؟ و همچنین در فرض حاکم بودن شرایط اضطرار عمومی، تصمیمات مقامات قضایی در مورد اعدام‌های ۶۷ تا چه اندازه با اصول حقوقی و الزامات حقوق بشردوستانه انطباق داشته است؟

**اظهارات جدید مصطفی پورمحمدی در مورد اعدام زندانیان در سال ۶۷**

مصطفی پورمحمدی وزیر سابق دادگستری، مشاور کنونی

1. <https://www.dw.com/fa-ir/iran/a-46843680>
2. <http://www.bbc.com/persian/45744972>



اینکه ایشان صراحتاً و در قالب مثال، به نقض اصول دادرسی منصفانه اشاره می‌کند و دوم اینکه ایشان دلیل خلاف قاعده عمل کردن در عدم رعایت الزامات حقوق بشری را حاکم بودن شرایط غیرعادی بر کشور نظیر جنگ و ترور می‌داند که در ادامه به این مسائل خواهیم پرداخت.

**رعایت حقوق بشر در شرایط اضطرار از منظر حقوق بین‌الملل تطبیقی**

برای درک بهتر از آنچه در حقوق بین‌الملل بشردوستانه به عنوان شرایط «اضطرار عمومی» از آن یاد می‌شود، باید نگاهی به کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر انداخت تا ضمن گرت‌برداری از آن بتوان موضع حقوق بین‌الملل را در این مورد دانست. در زیر به بخشی از این مواد اشاره می‌شود:

□ ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در این باره اشعار می‌دارد: هر گاه یک خطر عمومی استثنایی (فوق‌العاده) موجودیت ملت را تهدید کند و این خطر رسماً اعلام بشود کشورهای طرف این میثاق می‌توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق به میزانی که وضعیت ایجاب می‌نماید، اتخاذ نمایند. مشروط بر این که تدابیر مزبور با سایر الزاماتی که طبق

خط مقدم نبودی، تو پشتیبانی می‌کردی؟ هر کسی در میان دشمن است باید با او جنگید».

مصاحبه اخیر با مثلث، اولین دفاع پورمحمدی از اعدام‌های سال ۱۳۶۷ نیست. وی شهریور ۱۳۹۵ در خرم‌آباد نیز گفت: «ما افتخار می‌کنیم که دستور خدا در رابطه با منافقین را اجرا کردیم و در مقابل دشمنان خدا و ملت با قدرت ایستادیم و مقابله کردیم.»<sup>۱</sup>

او همچنین در دفاع از اقدامات خود و توجیه وجود شرایط اضطراری می‌افزاید: «حالا این گلوله آن وسط به یکی دو تا هم می‌خورد». او توضیح می‌دهد: «من در خاکریز، دارم تیراندازی می‌کنم. جلویم حالا یک آدمی یک بار آمده برای بازدید از خط آنجا. نیروی جنگنده با من نیست. ولی خب من وظیفه‌ام این است که بزنمش و می‌زنمش. من دارم گلوله می‌اندازم. این گلوله را می‌اندازم در آنجا. بغلش به یک روستا به هم می‌خورد ولی دشمن ایستاده آن طرف. شما از من سوال می‌کنی چرا در روستا خمپاره انداختی؟»

با توجه به سخنان ایشان می‌توان به دو نکته مهم اشاره کرد اول

1. <https://persian.iranhumanrights.org/05/1398/defend-the-unlawful-execution-of-thousands-of-people-in-the-summer/>
2. <https://shahrvand.com/archives/109008>



نباشد و یکی از مولفه‌های شناسایی اضطراب عمومی دانسته شده است. بطور کلی در رویه دیوان ویژگی‌های خطر ایجاد کننده اضطراب عمومی، فعلی‌بودن یا قریب‌الوقوع بودن، استثنایی بودن و گسترده بودن آثار آن بیان شده است. ویژگی مهم دیگر شرایط اضطراب عمومی اینکه خطر ناشی از اضطراب عمومی با اعمال مقررات عادی بازگشت به نظم سابق مقدور نیست و دولت ناچار به وضع تدابیر فوق‌العاده موقت است.<sup>۴</sup>

□ دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده «ای و دیگران علیه بریتانیا» اعلام کرده است که حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ و خطر تروریسم بین‌المللی یک خطر اضطراری است و بر اساس ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در چنین شرایطی خطر علیه حیات ملت محرز است. به عبارت دیگر بیم حملات تروریستی یا فعلیت داشتن آن از مولفه‌های اضطراب عمومی است. مقامات دولت انگلستان متعاقب حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ احتمال دادند که کشورشان هدف حملات تروریستی گروه القاعده خواهد بود. بنابراین بر اساس ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اعلام وضعیت اضطراری شد. دولت بریتانیا بر این باور بود که حملات احتمالی از طریق خارجیانی که در این کشور حضور دارند صورت خواهد گرفت. از آنجا که دولت بریتانیا نمی‌توانست تمام خارجیان را از این کشور اخراج کند و عملش مصداق نقض ماده ۳ کنوانسیون تلقی می‌شد لذا اختیارات دولت برای بازداشت افراد خارجی ساکن بریتانیا را افزایش داد. یازده نفر از اتباع خارجی در این خصوص بازداشت شدند و برخی از این افراد در دوره بازداشت از حق دسترسی به وکیل محروم بودند و در نهایت دولت بریتانیا افراد مظنون را به زندان مهاجران غیرقانونی انتقال و سپس به کشورشان اخراج کرد.<sup>۵</sup>

□ اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز که به لحاظ عضویت ایران در آن حائز اهمیت است در ماده سوم خود در این باره می‌گوید: الف. در صورت به‌کارگیری زور یا کشمکش‌های مسلحانه، نباید آنهایی را که در آن مشارکتی نداشته‌اند، همچون پیرمردان و زنان و کودکان، را کشت و هر مجروح و بیماری حق مداوا، و اسرا حق خوراک و پناهگاه و لباس دارند. و مثله کردن مقتولین ممنوع است و باید اسرا را مبادله و فی‌مابین خانواده‌هایی که اوضاع جنگ باعث جدایی آنان شده است، دیدارهایی به عمل

۴. وضعیت اضطراب عمومی در نظام بین‌الملل حقوق بشر، باقر شاملو و ابوالفضل یوسفی، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتادم، شماره ۹۶، زمستان ۱۳۹۵، صفحه ۱۱۲ و ۱۲۲  
۵. وضعیت اضطراب عمومی در نظام بین‌الملل حقوق بشر، باقر شاملو و ابوالفضل یوسفی، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتادم، شماره ۹۶، زمستان ۱۳۹۵، صفحه ۱۱۲-۱۱۳

حقوق بین‌الملل بعهدہ دارند مغایرت نداشته باشد و منجر به تبعیضی منحصرأ براساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی نشود.<sup>۱</sup>

□ ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر هم در این زمینه اشاره می‌کند: در زمان جنگ، خطر عمومی، یا شرایط اضطراری دیگری که استقلال یا امنیت کشور متعاقد را به خطر می‌اندازد، کشور متعاقد می‌تواند از اجرای بخشی از تعهدات خود ذیل این معاهده به میزان و تا زمانی که مورد نیاز شرایط اضطرار است خودداری کند به شرطی که در تناقض با سایر تعهدات خود ذیل حقوق بین‌الملل نباشد و مشمول اجرای هیچ تبعیضی بر مبنای نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب و یا طبقه اجتماعی نباشد.<sup>۲</sup>

□ ماده ۱۵ اعلامیه اروپایی حقوق بشر نیز در این زمینه مقرر می‌دارد: در زمان جنگ یا سایر حالت‌های فوق‌العاده‌ی عمومی تهدیدکننده‌ی جان آحاد ملت، هر یک از کشورهای معظم متعاقد کنوانسیون می‌توانند از اجرای تعهدات خود ذیل این معاهده به میزانی که مورد نیاز شرایط اضطرار است، خودداری کند. به شرطی که در تضاد با سایر تعهدات خود ذیل حقوق بین‌الملل نباشد و ماده ۳۰ منشور اجتماعی اروپایی منعقد بسال ۱۹۶۱ نیز در این زمینه اشعار می‌دارد: در زمان جنگ یا شرایط اضطراری عمومی که جان مردم کشورهای متعاقد این سند را تهدید می‌کند، هر یک از متعاهدین می‌توانند تا میزانی که برای شرایط اضطرار ضروری است تمهیداتی مقرر دارند که اجرای تعهدات خود ذیل این سند را معلق کنند به شرطی که این تمهیدات با تعهدات آنها ذیل حقوق بین‌الملل متناقض نباشد.<sup>۳</sup>

□ کمیسیون اروپایی حقوق بشر در «پرونده قبرس شمالی علیه ترکیه» در خصوص مرگ افراد یونانی-قبرسی ویژگی‌های اضطراب عمومی را به شرح ذیل برشمرده است: اضطراب عمومی باید توأم با بحران یا خطری استثنایی باشد؛ به گونه‌ای که اقدامات با محدودیت‌های معمول و مجاز به شکلی آشکار نامناسب آن وضعیت باشد. آثار اضطراب عمومی باید شامل همه افراد ملت شود به نحوی که ادامه حیات اجتماعی به خطر افتاده باشد و اضطراب عمومی باید فعلی و قریب الوقوع باشد. منظور دیوان از خطر استثنایی خطری است که با توسلی به مقررات عادی قابل کنترل

1. <http://www.unic-ir.org/hr/convenant-cp.htm>  
2. <https://www.cidh.oas.org/basicos/english/basic3.american%20convention.htm>  
3. THE ADMINISTRATION during states of emergency, United Nations human rights office of the high commissioner, available at: <https://www.ohchr.org/Documents/Publications/training9chapter16en.pdf>



داد.

آید.<sup>۱</sup>

ماحصل آنچه با احصا موارد بالا می‌توان ذکر کرد، اینکه اولاً شرایط اضطراب عمومی باید حیات جمعی یک ملت را بخطر بیندازد به نحوی که با اقدامات معمولی نتوان حیات ملت را حفظ کرد؛ دوم اینکه وجود شرایط اضطراب عمومی باید اعلام شود؛ و سوم اینکه اقداماتی که برای تعلیق حقوق بشر انجام می‌شود نباید ناقض تعهدات حقوق بشری دولت‌ها ذیل حقوق بین‌الملل باشد. حال باید به بررسی شرایط اضطراب عمومی در سال ۶۷ و موارد تعلیق حقوق بشر توسط حکومت جمهوری اسلامی پرداخت.

### شرایط اضطراب عمومی در سال ۶۷، قانون اساسی و جایگاه فراقانونی رهبر جمهوری اسلامی

قانون اساسی جمهوری اسلامی مقررات مشخص و واضحی در مورد برقراری شرایط اضطراری و تعلیق برخی حقوق اساسی شهروندان ندارد اما اصل هفتاد و نهم قانون اساسی مقررهای در مورد برقراری حکومت نظامی در شرایط اضطراری دارد که می‌توان مقررات آن را به سایر شرایط اضطراب عمومی نیز تعمیم

1. <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/53710/5509/4518/>

اعلامیه-اسلامی-حقوق-بشر

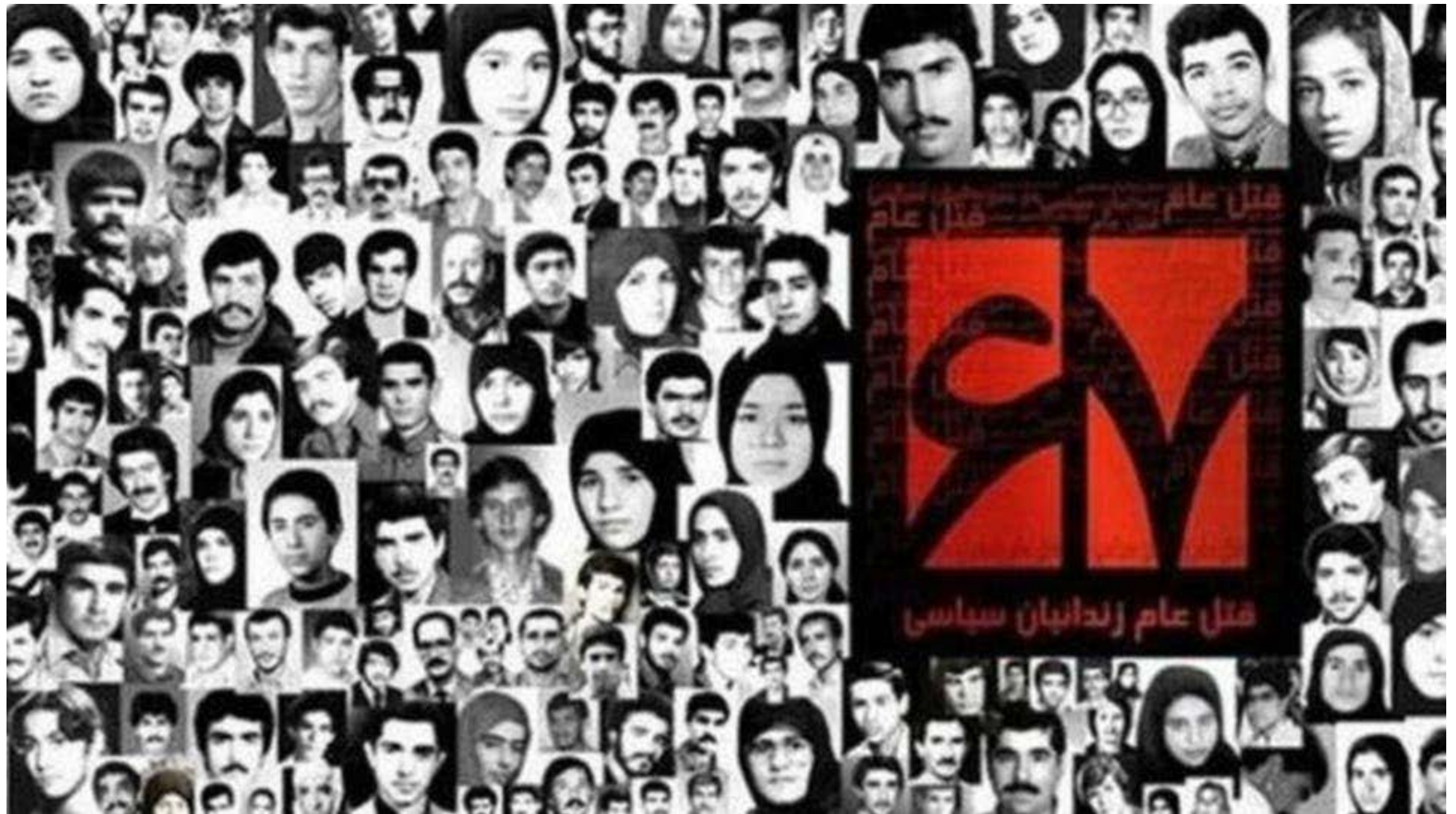
2. [https://rc.mailis.ir/fa/content/iran\\_constitution](https://rc.mailis.ir/fa/content/iran_constitution)



اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایید، آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است وسوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند اشداء علی الکفار باشند. تردید در مسائل قضایی اسلام انقلابی نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می‌باشد»<sup>۱</sup>. همانطور که مشاهده می‌شود، رهبر جمهوری اسلامی در یک

با استکبار جهانی و ضربات ناجوانمردانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تاکنون، کسانی که در زندان‌های سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند، محارب و محکوم به اعدام می‌باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رای اکثریت آقایان حجه‌الاسلام نیری دامت افاضاته (قاضی

توسل به حکم فقهی ارتداد که اساسا مغایر با اصول حقوق بشر است دستور اعدام زندانیان سیاسی را صادر میکند. اما آیا در زمان اعدام های سال ۶۷ اساسا شرایط اضطراری در کشور وجود داشته است؟ در جواب می‌توان گفت هم بله و هم خیر! چرا که اساسا کشور درگیر جنگ با عراق بود و بعد از



حکم حکومتی با ماهیت فتوای دینی بدون درنظر گرفتن قواعد دادرسی عادلانه و شرایط مقرر در اصل ۷۹ قانون اساسی و همچنین بدون توجه به شرایط ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و با توجه به الحاق دولت ایران به این میثاق<sup>۲</sup> صرفا با

1. [http://www.bbc.com/persian/iran/25\\_130912/09/2013-anniversary\\_authoriteis\\_speech\\_nm](http://www.bbc.com/persian/iran/25_130912/09/2013-anniversary_authoriteis_speech_nm)
2. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/97259>

شرع) و جناب آقای اشراقی (دادستان تهران) و نماینده‌ای از وزارت اطلاعات می‌باشد، اگرچه احتیاط در اجماع است، و همین طور در زندانهای مراکز استان کشور رای اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات لازم الاتباع می‌باشد. رحم بر محاربین ساده‌اندیشی است، قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردیدناپذیر نظام اسلامی است. امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان

در ماه‌های پایانی جنگ، بهانه اتخاذ چنین تصمیم فاجعه‌باری بوده است<sup>۳</sup>. لذا می‌توان گفت شرایط اضطراری بر کشور حاکم بوده است اما طبق اصل ۷۹ قانون اساسی شرایط اضطراری باید به تصویب مجلس می‌رسید و شرایط محدودیت‌ها بر حقوق شهروندی ایرانیان باید اعلام می‌شد و نباید این شرایط به بیش از ۳۰ روز سرایت داده می‌شد و همچنین باید شرایط مقرر در میثاق حقوق مدنی سیاسی یعنی ضرورت اعلام رسمی شرایط اضطراری و عدم مغایرت محدودیت های اعمال شده با سایر تعهدات ایران ذیل حقوق بین‌الملل رعایت می‌شد. هیچ‌کدام از این اقدامات انجام نشد. در عوض، حکمی فراقانونی مبنی بر اعدام متهمانی که صرفا حاضر به اعلام برائت از سازمان مجاهدین خلق نبودند صادر شد که در ادامه به موارد نقض حقوق بشر توسط این حکم خواهیم پرداخت.

#### موارد نقض حقوق بشر و اصول متعدد حقوقی در اعدام‌های سال ۶۷

##### ۱. اصل قانونی بودن جرم و مجازات

اساسی‌ترین اشکال وارد به اعدام‌های ۶۷ که در پی فتوای دینی خمینی رهبر سابق جمهوری اسلامی مبنی بر مرتد دانستن اعضای سازمان مجاهدین خلق صادر شد، مخالفت صدور این فتوا با اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۱۶۹ در این باره اشعار می‌دارد: «هیچ فعل یا ترک فعلی از نظر قانون جرم محسوب نمی‌شود، مگر به استناد قانونی که پیش از وقوع آن وضع شده باشد.» همچنین در اصل ۳۶ می‌خوانیم: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.» یا در اصل ۱۶۶ قانون اساسی آمده است: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است».

با در نظر گرفتن مجموع اصول ذکر شده از قانون اساسی جمهوری اسلامی، می‌توان این‌گونه استدلال کرد که اولاً خمینی اساسا در مقام جرم‌انگاری نبوده و حق جرم‌انگاری فعل یا ترک فعلی را نداشته است؛ چرا که مطابق قانون اساسی فقط قانون‌گذار و مجلس حق وضع قوانین و جرم‌انگاری فعل یا ترک فعل را دارند. بنابراین صدور احکام اعدام از طرف دادگاه‌ها و سیستم قضایی یا هیات مرگ سال ۶۷ با استناد به فتوای یک مرجع دینی یا حتی رهبر کشور به لحاظ عدم رعایت اصول ۳۶، ۱۶۶ و ۱۶۹ امری

پذیرش قطعنامه صلح توسط خمینی، سازمان مجاهدین که در عراق به سر می‌بردند با شروع عملیات نظامی فروغ جاویدان علیه نظام حاکم بر ایران اعلان جنگ کردند. هرچند که از مدت‌ها پیش نیز چند عملیات نظامی را علیه نیروهای نظامی جمهوری اسلامی آغاز کرده بودند. «به طور کلی، هرچند قطعی نیست که عملیات فروغ جاویدان زمینه ساز اصلی اعدام‌ها باشد، تقریبا تردیدی وجود ندارد که مجموعه عملیات‌های نظامی مجاهدین

1. [http://www.bbc.com/persian/iran/120730/07/2012\\_139\\_foroogh-javidan\\_yaghoobi](http://www.bbc.com/persian/iran/120730/07/2012_139_foroogh-javidan_yaghoobi)



## یادداشت وکیل

غیرقانونی و باطل بوده است.

#### ۲. اصل شخصی بودن جرم و مجازات

رویکرد مسئولان وقت در مورد اعدام های ۶۷ ایرادات اساسی متعدد دیگری نیز از منظر حقوقی دارد که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت. یکی از این ایرادات، زیر پا گذاشتن «اصل شخصی‌بودن جرم و مجازات» است. این، یک اصل معقول و مورد قبول تمام نظام‌های حقوقی مدرن دنیاست که اتفاقا مورد قبول فقه اسلامی نیز قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

اصل «شخصی بودن مجازات‌ها» در حقوق جزا بدین معناست که تنها کسی را می‌توان تعقیب و مجازات کرد که مرتکب جرم شده باشد (اعم از مباشر، معاون، شریک) و دیگران حتی خویشان و نزدیکان مجرم از تحمل کیفر و تعقیب قضایی در امانند.

بنابراین طبق این اصل تنها مجرم است که به سبب ارتکاب جرم مجازات می‌شود و دیگران مسئول اعمال او نیستند.

در حکم خمینی رهبر سابق جمهوری اسلامی در مورد جواز اعدام زندانیان مربوط به مجاهدین خلق، ایشان می‌گوید «کسانی که در زندان‌های سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند، محارب و محکوم به اعدام می‌باشند»!

در این حالت اصل شخصی بودن جرم و مجازات کاملا نقض می‌شود چرا که زندانی که مدت ها در زندان است و در هیچ یک از جرایم ادعایی خمینی از جمله ترور، جنگ و جاسوسی مشارکت نداشته است، چطور باید تاوان جرایم دیگران را بپردازد؟!

همین مساله در نامه آیت الله منتظری به موسوی اردبیلی هم مورد اشاره قرار می‌گیرد: «مگر قاضی‌های شما اینها را به ۵ یا ۱۰ سال زندان محکوم نکرده‌اند، مگر شما مسئول نبوده‌اید؟ آن وقت تلفنی به احمد آقا می‌گویید که اینها را مثلا در کاشان اعدام کنند یا در اصفهان. شما خودت می‌رفتی با آنها صحبت می‌کردی که کسی که مثلا مدتی در زندان است و به ۵ سال زندان محکوم شده و روحش هم از فعالیت‌های منافقین خبردار نبوده چطور ما او را اعدام کنیم.» لذا زندانی که به صرف عدم ابراز انزجار از یک گروه سیاسی محکوم به اعدام می‌شود! حتی در فرض تروریستی بودن این گروه و انجام اعمال تروریستی و جنگ علیه کشور نمی‌تواند به اعدام محکوم شود و نیز نمی‌توان به صرف هواداری از یک گروه، جرم انجام‌گرفته از جانب برخی اعضای این سازمان را به تمام هواداران آن تعمیم داد و با صدور

- لا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرٰی " (۱۶۴ انعام) «هیچ کس بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد» برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: <https://iranhr.net/fa/view/5553026//print/5>

## حقوق ما

اوت ۲۰۱۹ / شهریور ۱۳۹۷ ۱۰

حکم فله‌ای اعدام همه آنها را مجازات کرد. این عمل یعنی زیر پا گذاشتن بدیهی‌ترین قاعده حقوق جزای عمومی که مورد قبول حقوق اسلامی هم اتفاقا قرار گرفته است.

#### ۳. تقدس اعدام به عنوان مجازاتی فقهاتی

در حکم تاریخیِ خمینی مبنی بر اعدام تمام زندانیان مرتبط با اعدام های ۶۷، متهمین مرتد دانسته شده‌اند و حکم اعدام برای آنها در نظر گرفته شده است. اما ادبیاتی که در نامه هست، اینگونه می‌نماید که این اعدام‌ها امری مقدس است.

روح‌الله خمینی با قاطعیت به مقامات قضایی توصیه می‌کند در صدور حکم اعدام تردید نکنند چرا که رضایت خدا در این است و هرگونه مماشات باعث نادیده گرفتن خون شهیدان خواهد شد. لذا نخستین ولی فقیه جمهوری اسلامی با استفاده اِبراری از احکامی مثل ارتداد، اعدام، حذف مخالفین، به‌نوعی ترویج خشونت در جامعه را آغاز می‌کند؛ خشونتی که در جمهوری اسلامی ۴۰ ساله شده است. مهم‌تر اینکه اساسا بروز خشم و کینه انقلابی و جلب رضایت خدا با کشتن هیچ ارتباطی با حفظ حیات آحاد ملت در شرایط اضطرار و برقراری محدودیت بر حقوق شهروندی برای حفظ جان مردم ندارد که صرفا نوعی تقدیس خشونت بنام دین است.

#### ۴. انتقام‌جویی در مقام قضاوت

اساسا یکی از ویژگی‌های اصلی قاضی بی‌طرفی و عدالت اوست. قاضی باید در کمال خونسردی اقدام به تقریر رای نماید و محاکمات نیز بدون پیش داوری باشد. «در محاکمات قضایی مراد از بی‌طرفی رسیدگی غیر جانبدارانه و بدون پیش‌داوری است.اصل بی‌طرفی و لزوم رعایت آن در مراحل مختلف دادرسی، به عنوان یکی از معیارها و تضمین‌های محاکمه عادلانه، در حقوق داخلی مورد توجه و تذکر قرار گرفته است و برای خروج قاضی از بی‌طرفی و اظهار نظر مغرضانه و برخلاف حق، ضمانت اجرای کیفری و انتظامی پیش‌بینی شده است».<sup>۲</sup>

اما انتقام‌جویی و شخصی‌کردن مسئله، یکی از ویژگی‌های بارز احکام اعدام سال ۶۷ بود. همین موضع را در مصاحبه اخیر مصطفی پورمحمدی می‌بینیم وقتی که ایشان می‌گوید: «ما هنوز تسویه حساب نکرده‌ایم و بعد از تسویه حساب این حرف‌ها را

- نقض بی طرفی و عدم استقلال قاضی؛جلوه ای از اقدام مخل دادرسی عادلانه

باقر شاملو، شهرام محمدی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، <http://scj.sbu.ac.ir/index.php/researchejuridique/article/view/555>

۱۱

اوت ۲۰۱۹ / شهریور ۱۳۹۷

## حقوق ما

پاسخ می‌دهیم.» اساسا یکی از بزرگ‌ترین ایرادات اعدام‌های ۶۷ بحث انتقام‌گیری حکومتی و سیاسیِ سیستم قضایی جمهوری اسلامی بود.

الفاظی مثل تسویه حساب، پاکسازی، گرفتن انتقام خون شهدا و ... الفاظی هستند که شایسته مقام قضایی در منصب قضاوت نیستند؛ چرا که حاکِی از عدم تعادل روانی و ناتوانی در کنترل خشم دارند و این مساله قطعاً رسیدگی بی‌طرفانه و منصفانه را خدشه‌دار می‌کند امری که در اعدام‌های ۶۷ دیده می‌شود.

#### ۵. اعتبار امر مختوم و قاعده فراغ دادرس

نظام حقوقی به مراجع کیفری اجازه انجام تحقیقات، جمع‌آوری دلیل، رسیدگی و صدور رای را داده و از راه پیش‌بینی طرق اعتراض به رای، استحکام آنها را تضمین نموده است. بنابراین با پایان یافتن دادرسی و تعیین راه حل آن، ادعای خلاف این راه حل به صورت کلی (با پذیرش همان دعوا) یا جزیی (با قبول دعوای دیگر ولی نقض رای نهایی) یا بدون در نظر گرفتن لوازم منطقی آن قابل اجتماع نخواهد بود.

میانی مختلفی برای این قاعده می‌توان برشمرد. از جمله جلوگیری از سواستفاده، جلوگیری از صدور آرای متعارض و... اما مهم‌ترین دلیل آن، تقویت اصل برائت به نفع متهم است<sup>۱</sup> تا متهمی که برائت حاصل نموده، دوباره محکوم به همان جرم نشود.

قاعده فراغ دادرس هم به این نکته اشاره دارد که زمانی که دادگاه درباره موضوعی تصمیم گرفت، از رسیدگی مجدد به آن فارغ است و حق تغییر نظر خود را ندارد. لذا در بحث اعدام‌های ۶۷ که با حکم روح‌الله خمینی احکام قطعی زندان مجرمین دوباره مورد بررسی قرار گرفت و همین احکام تبدیل به مجازات اعدام شد، به‌وضوح دیده می‌شود که این دو قاعده بنیادین علم حقوق که حتی مورد قبول ادیانی مثل اسلام هم قرار گرفته است، توسط هیات مرگ و سیستم قضایی جمهوری اسلامی، با فتوای سیاسی–دینی غیرقانونی خمینی نقض شد.

#### ۶. تهدید مطبوعات و تحدید اطلاع‌رسانی در مورد اعدام‌های ۶۷

مصطفی پورمحمدی در مصاحبه‌اش نه‌تنها به اعمال خلاف

- نگرشی تازه به اعتبار امر مختوم در حقوق کیفری، عبدالله خدابخشی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷، صص ۱۴۱و۱۴۲. قابل دسترس در:

[https://ijlq.ut.ac.ir/article\\_27315\\_e5539cbd71d9f0890caba5141dbdd09a.pdf](https://ijlq.ut.ac.ir/article_27315_e5539cbd71d9f0890caba5141dbdd09a.pdf)

## یادداشت وکیل

قانون و عدالت در بحث اعدام‌های ۶۷ تاکید می‌کند، که پا را از این قانون‌شکنی‌ها فراتر می‌گذارد و به جای پاسخگویی، شروع به تهدید علنی مطبوعات و افکار عمومی می‌کند. او گردآوری مستندات مربوط به اعدام‌های ۶۷ را به منزله‌ی حمایت از تروریسم و سازمان مجاهدین خلق می‌داند و ادعا می‌کند که انتشار نوار جلسه اعضای هیأت مرگ تهران با حسینعلی منتظری بخشی از عملیات مشترک آمریکا، سی‌آی‌ای، موساد و عربستان به منظور راه‌اندازی موج جدید براندازی در ایران بوده است.

#### برآمد

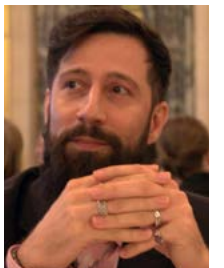
اعدام‌های سال ۶۷ که با حکم حکومتی غیرقانونی روح‌الله خمینی، رهبر پیشین جمهوری اسلامی شروع شد و منجر به جنایات گسترده‌ای شد، در پی بروز شرایط اضطراری جنگی بود؛ شرایطی که می‌توان آن را از جمله شرایط اضطرار عمومی ذکر کرد. اما اعلان این شرایط اضطرار عمومی با قانون اساسی کشور در انطباق نبوده است و همچنین اقداماتی که در مورد تحدید یا تعلیق حقوق بنیادین متهمین در آن دوره انجام گرفته نیز موجب نقض تعهدات حقوق بشری حاکمیت جمهوری اسلامی ذیل حقوق بین‌الملل شده است.

اساسا سیستم قضایی، رهبری و در کل حاکمیت جمهوری اسلامی از آن دوره تا کنون با توسل به مجازات اعدام، صدور فتوایی سیاسی مبنی بر مرتد بودن متهمان، رسیدگی‌های ناعادلانه، نقض اصل شخصی بودن و قانونی بودن جرم و مجازات، عدم تصویب مجلس در اعلام شرایط اضطراری، نقض اصل اعتبار امر مختوم و قاعده فراغ دادرس و هم اکنون با تهدید مطبوعات و افکار عمومی گام را بسیار فراتر از تعلیق موارد مجاز حقوق بشری در شرایط اضطرار عمومی گذاشته است.

تعلیق حقوق بشر در شرایط اضطراری سال ۶۷ حداکثر می‌توانست محدود به دستگیری بدون حکم قضایی یا تعلیق حق دسترسی به وکیل تا مدتی محدود باشد؛ مانند آنچه در کشور انگلیس بعد از حملات ۱۱ سپتامبر اعمال شد و به هیچ‌وجه توجیه کننده اعدام چند هزار متهمی که یکبار پیش‌تر در فرایند دادرسی غیر عادلانه به حبس محکوم شده بودند، نمی‌توانست باشد.

بنابراین می‌توان گفت آنچه اتفاق افتاد، نه تعلیق بخشی از حقوق بشر برای مقابله با شرایط اضطرار عمومی، که ارضای جنون دینی خمینی رهبر سابق جمهوری اسلامی در احیای مجازات اعدام در متن جامعه بود!

## شادی صدر: اگر ایران در جنگ بوده، کشتار ۶۷ جنایت جنگی است



رضا حاجی‌حسینی

مصطفی پورمحمدی، وزیر سابق دادگستری و وزیر کشور پیشین جمهوری اسلامی که از اعضای هیات موسوم به «هیات مرگ» برای تصمیم‌گیری درباره اعدام زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ بوده، در گفت‌وگویی با مجله «مثالث»، وضعیت ایران را در آن سال «وضعیت جنگی» دانسته و تلاش کرده است از این رهگذر، رعایت موازین حقوق بشری را در چنین شرایطی به چالش بکشد و اعدام‌های فراقضایی آن سال را «مشروع و قانونی» قلمداد کند.

پورمحمدی که هم اکنون مشاور رئیس قوه قضاییه است در بخشی از این مصاحبه تصویری به تاریخ دوم مرداد ۱۳۹۸ گفته است: «اگر در جنگ یک خمپاره به سمت دشمن شلیک کنیم و بخورد به روستای کنار آنها، باید پاسخ بدهیم که چرا به روستا خورد؟»

او پرسیده است: «انتظار این است که در وسط میدان جنگ از بحث‌های حقوقی و مراقبت‌های شهروندی و انسانی حرف بزنیم؟»

پرسش کلیدی در این میان اما این است که آیا شرایط جنگی بر رعایت حقوق بشر تاثیر می‌گذارد و می‌تواند مبنا و دستمایه‌ای باشد برای اینکه یک حکومت دست به کشتار دسته‌جمعی غیرنظامیان بزند؛ چنانچه جمهوری اسلامی در سال ۶۷ در ایران دست به چنین اقدامی زد، یا اینکه اصول حقوق بشر در هر شرایطی باید حاکم باشد و رعایت شود؟

مجله «حقوق ما» این پرسش را با شادی صدر، حقوقدان مقیم لندن و از مدیران سازمان عدالت برای ایران در میان گذاشته، اما او قبل از جواب دادن به این سوال، به بررسی فرض‌ها و پیش‌فرض‌های مطرح در اظهارات پورمحمدی پرداخته و اساس استدلال او را زیر سوال برده است.

شادی صدر به حقوق ما می‌گوید: «قبل از اینکه به سوال شما پاسخ بدهم باید نکته‌ای را روشن کنم. پورمحمدی در گفت‌وگوی اخیر خود درباره اعدام‌های ۶۷ ادعا می‌کند که چون ایران در آن سال در شرایط جنگی بوده، بنابراین انجام هر کاری علیه زندانیانی که به گفته او آماده بودند تا شورش کنند، یا قصد حمله به دفتر [بیت] رهبر جمهوری اسلامی یا اشغال صداوسیما را داشته‌اند و...، مجاز بوده و به این ترتیب این اعدام‌ها مشروع و قانونی بوده‌اند. مساله و پرسش اول اما اساسا تردید در این گزاره است که ایران در شرایط جنگی بوده است.»



### ایران در سال ۶۷، جنگ یا صلح؟

بر اساس گفته‌های شادی صدر، پرسش اول درباره گفته‌های پورمحمدی باید این باشد که آیا ایران در زمان کشتار جمعی زندانیان سیاسی در سال ۶۷ شرایط جنگی داشت؟ اساسا وضعیت جنگی از نظر حقوقی چیست و آیا می‌شود به استناد آن، زندانیانی را که در زندان نگهداری می‌شوند، دوباره و آن هم در یک روند کاملا ناعادلانه محاکمه و اعدام کرد؟

شادی صدر: «همان‌طور که می‌دانیم کشتار ۶۷ درست چند هفته بعد از اعلام رسمی قبول قطع‌نامه آتش‌بس از سوی دو کشور درگیر جنگ یعنی ایران و عراق رخ داده است. موضوعی که در تمام این سال‌ها به عنوان دستاویز جمهوری اسلامی برای انجام این کشتار مطرح شده این است که چند هفته بعد از قبول آتش‌بس، سازمان مجاهدین خلق یک حمله نظامی به خاک ایران انجام می‌دهد. این حمله در فاصله دو تا سه روز به وسیله نیروهای نظامی ایران دفع می‌شود و نیروهای مهاجم شکست می‌خورند و عقب رانده می‌شوند. بعد از اینکه این حمله شکست می‌خورد و به پایان می‌رسد (احتمالا چیزی حدود یک‌هفته بعد یا شاید کمی بیشتر، چنانچه ما از خاطرات حسینعلی منتظری، قائم مقام وقت روح‌الله خمینی، اولین رهبر جمهوری اسلامی می‌فهمیم)، کشتار زندانیان سیاسی با فتوای آیت‌الله خمینی آغاز می‌شود.»

بر اساس گفته‌های این حقوقدان، اگر وقایع تاریخی را درست کنار هم بگذاریم، اساسا جمهوری اسلامی در زمانی که کشتار ۶۷ اتفاق افتاده، به طور کلی در شرایط جنگی نبوده است: «ایران در آن روز، درگیر هیچ جنگ بین‌المللی و همین‌طور هیچ جنگ داخلی‌ای نبوده است به این معنا که حتی با هیچ گروه متخاصمی در داخل مرزهای خود نیز درگیری نظامی نداشته است.»

صدر به حقوق ما می‌گوید که به این ترتیب این استدلال از ابتدا کاملا غلط است و وقتی گزاره اول غلط باشد، بقیه گزاره‌ها هم لاجرم غلط می‌شوند.

### شورش و جنگ ناممکن

موضوع دیگری که شادی صدر به آن اشاره می‌کند این است که حتی اگر «ادعای تخیلی» مصطفی پورمحمدی را بپذیریم که قرار بوده است زندانیان به جایی حمله کنند و نقاط کلیدی پایتخت و دیگر مناطق را به تصرف خود در بیاورند (یعنی فرار



کنند، بعد اسلحه پیدا کنند، بعد اسلحه به دست بگیرند و بروند به تسخیر مراکز حساس جمهوری اسلامی در آن زمان)، باز هم بر اساس حقوق بین‌الملل جنگی در کار نبوده است: «برای اینکه شرایطی به جنگ -در اینجا داخلی- بینجامد، یک اصول و قواعدی وجود دارد در حقوق بین‌الملل که هیچ‌کدام از آن اصول و قواعد در اینجا قابل مشاهده نیست.» یکی از اصول تعیین کننده در تعریف شرایط جنگ داخلی این است که مبارزه مسلحانه برای مدتی طولانی میان مخالفان یک حکومت و آن حکومت در جریان باشد.

به این ترتیب میان جنگ داخلی و آن‌چه در حقوق بین‌الملل به آن شورش یا قیام می‌گویند تفاوت وجود دارد: «این‌ها همه مفاهیم یا کلماتی هستند که بار حقوقی متفاوتی دارند و شرایط ویژه و متفاوتی را توضیح می‌دهند.»

از سوی دیگر اما نباید فراموش کرد که زندانیان سیاسی در آن زمان -تقریباً در بیشتر مناطق- از حداقل یک ماه قبل یا حتی بیشتر از آن، ملاقات‌هایشان قطع شده بود. به این ترتیب آنان ارتباطی با خارج نداشتند که راهی برای فرارشان باشد: «همچنین کسی که شرایط زندان‌هایی مثل اوین یا زندان عادل‌آباد شیراز یا دیگر زندان‌ها در سراسر ایران را بداند، می‌داند که اساساً ادعای مطرح شده از سوی پورمحمدی به شوخی شبیه است. ما اصلاً در کل دهه ۶۰، موارد اندک، انگشت‌شمار یا حتی نزدیک به هیچی از فرار زندانیان سیاسی نداریم که توانسته باشند فرار کنند از زندان‌ها. بنابراین این گزاره هم پوچ و غلط است.»

یک وجه دیگر این ماجرا این است که اجرای کشتار ۶۷ از مدت‌ها قبل دست‌کم در ذهن برخی از کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و نزدیکان آیت‌الله خمینی بوده و مترصد فرصتی برای اجرای آن بوده‌اند.

به گفته شادی صدر، حالا و بعد از انتشار فایل صوتی جلسه آیت‌الله منتظری با اعضای هیات مرگ استان تهران، مشخص است که نقشه کشتار ۶۷ اساساً ماه‌ها قبل از پایان جنگ و ماه‌ها قبل از حمله مجاهدین به ایران طرح‌ریزی شده بوده و مقدمات و برنامه‌ریزی آن به سال ۶۶ برمی‌گشته: یک گزاره غلط دیگر.

#### اگر اسلحه برمی‌داشتند؟

اما اگر زندانیان مورد نظر پورمحمدی می‌توانستند فرار کنند،

اسلحه به دست بگیرند و به بیت رهبر جمهوری اسلامی حمله کنند چه؟

شادی صدر در پاسخ به حقوق ما می‌گوید حتی در آن زمان هم شرایط جنگی حاکم نبوده است: «ضمن اینکه سوال این است که آیا در شرایط جنگی کشتار زندانیان از نظر حقوق بین‌الملل مشروع است و توجیه می‌شود؟ آیا آن‌چه در جریان کشتار ۶۷ رخ داد می‌تواند توجیه حقوقی یا حتی حقوق بشری داشته باشد؟»

صدر در ادامه می‌گوید آن‌چه مهم است و نباید فراموش شود این است که جمهوری اسلامی ایران عضو کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو درباره حقوق بشردوستانه است که قواعد رفتارهای دولت‌ها و نیروهای نظامی غیردولتی را در شرایط جنگی تعیین می‌کنند: «یعنی اگر بپذیریم که این کشتار در زمانی رخ داده که شرایط جنگی حاکم بوده -که نبوده- باز هم قواعد بین‌المللی حقوق بشردوستانه باید بر وضعیت حاکم باشد. از قضا ایران هم این قواعد و کنوانسیون‌ها را پذیرفته و باید به آن‌چه که امضا کرده، متعهد و پای‌بند باشد.»

از جمله مهم‌ترین اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممنوعیت آسیب رساندن به افراد غیرنظامی است و این آسیب شامل همه موارد -از زخمی و مصدوم کردن گرفته تا به قتل رساندن- می‌شود.

به گفته شادی صدر آن‌چه در کشتار ۶۷ رخ داده است اما چنین صورتی دارد: «افراد قربانی کاملاً به عنوان افراد غیرنظامی شناخته می‌شوند و حتی اگر شرایط جنگی حاکم بشود، دولت به هیچ عنوان حق ندارد غیرنظامیان را بکشد.» شادی صدر می‌گوید: «صحبت‌های پورمحمدی نه تنها نگاه خود او که نگاه قاطبه مسئولان جمهوری اسلامی را به بشر و به فرد غیرنظامی نشان می‌دهد، برای اینکه او به راحتی می‌گوید وقتی در جنگ هستی و مشغول تیرباران دشمنت، حالا یک روستا هم آن کنار خمپاره بخورد و چند نفر هم کشته بشوند، چه اشکالی دارد؟»

او در پاسخ به پورمحمدی می‌گوید: «این از نظر حقوق بین‌الملل جنایت جنگی محسوب می‌شود. یعنی به بهانه‌های نظامی یا به بهانه مبارزه با دشمن نمی‌توان دست به کشتار افراد غیرنظامی و بی‌گناه زد.»

به گفته این حقوقدان، مخاطبان امروز از زاویه وقایع و حوادث تاریخی می‌دانند که حرف‌های پورمحمدی جعلی است و قلب



و تحریف حقایق و واقعیت‌های آن زمان: «چه از نظر حقوق بین‌الملل نگاه بکنیم چه از هر منظر دیگر، ایران در آن زمان در شرایط جنگی نبوده و اصلاً در هیچ جنگی نبوده است که حتی اگر در شرایط جنگی هم می‌بود، زندانیان سیاسی به عنوان افراد غیرنظامی طبقه‌بندی می‌شدند/ می‌شوند و هیچ دولتی حق وارد کردن هیچ آسیب و صدمه‌ای را به آن‌ها نداشته و ندارد و اتفاقاً کشتن آن‌ها در شرایط جنگی، جنایت جنگی محسوب می‌شود.»

#### از چاله به چاه

شادی صدر اما می‌گوید حتی اگر همه اینها را کنار بگذاریم، چشم‌هایمان را ببندیم و بپذیریم که این افراد زندانی سیاسی و غیرنظامی نبوده‌اند، اسلحه داشته‌اند و قرار بوده وارد یک جنگ با حکومت بشوند، باز هم در آن صورت حکم آنها حکم

«اسیر جنگی» بوده و باز طبق کنوانسیون‌های ژنو و قوانین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، هیچ دولت و هیچ طرف جنگی حق نداشته و ندارد کسی را که به عنوان اسیر می‌گیرد و در زندان در اختیار اوست، به قتل برساند.

او می‌گوید: «کشتن اسیر جنگی هم جنایت جنگی محسوب می‌شود و هم جنایت علیه بشریت. بنابراین اتفاقاً کسانی مثل پورمحمدی با طرح این مساله که ایران در شرایط جنگی بوده، می‌خواهند توجیهی بتراشند برای کشتار ۶۷ و جنایاتشان و آن را مشروع جلوه دهند اما در واقع دارند خودشان را از چاله به چاه می‌اندازند چون وقتی وارد اصول مربوط به حقوق بشر در شرایط جنگی بشویم، اتفاقاً کار آنها نه تنها جنایت علیه بشریت بوده است که جنایت جنگی هم به فهرست سیاه اتهام‌ها و جرایمشان اضافه می‌شود.»



## اعدام‌های ۶۷؛ ابراز شادمانی زندانیان از یک عملیات، منطبق با هیچ عنوان مجرمانه‌ای نیست

گفت‌وگو با فراز فیروزی مندومی، حقوق‌دان

شهرزاد کریمی

دوازدهم آگست ۱۹۴۹ پروتکل‌های الحاقی اعلامیه جهانی حقوق بشر مربوط به قوانین بشردوستانه در جنگ به تایید رسید. چه کشورهایی ملزم به رعایت این قوانین هستند و آیا جمهوری اسلامی ایران هم در بین این کشورهاست؟

پروتکل‌های اول و دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۴۹ در تاریخ ۸ ژوئن ۱۹۷۷ به تصویب «مجمع عمومی سازمان ملل متحد» رسید. طی یک کنفرانس دیپلماتیک، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با تدوین توسعه حقوق بشر دوستانه، قواعد بنیادینی را جهت حفاظت بیشتر از انسان در مخاصمات مسلحانه، وارد حقوق قراردادی در حقوق بین‌الملل نمود.

تاکنون به ترتیب ۱۷۴ و ۱۶۸ کشور رسماً به پروتکل اول و دوم ملحق شده‌اند. دولت ایران با وجود امضای پروتکل‌های الحاقی در دسامبر همان سال، هیچ‌گاه به صورت رسمی به پروتکل‌های مذکور ملحق نشده است. در دولت خاتمی و احمدی‌نژاد لایحه الحاق به پروتکل مارالبیان، به مجلس فرستاده شد، که با مخالفت‌های

شدید تا کنون مسکوت مانده است.

این‌که عدد دول متعاقد در پروتکل دوم، نسبت به پروتکل اول کمتر است، به دلیل حساسیت کشورها به موضوع پروتکل اول است، که ناظر بر حمایت از قربانیان در مخاصمات مسلحانه داخلی است. دولت‌ها عموماً تمایلی به پذیرش وجود نارامی و جنگ، در حیطه سرزمینی خود ندارند. آن‌چه در خصوص الزام ایران به رعایت حقوق بشر دوستانه، ناظر بر مخاصمات داخلی قابل توجه است، این است که عمده تضمینات موجود در پروتکل دوم، در حقوق بین‌الملل جنبه عرفی یافته و دولت ایران با توجه عدم الحاق نمی‌تواند خود را از رعایت این تضمینات، مستثنی کند.

سیاست‌مداران و نظامیان معمولاً اذعان می‌کنند که اتفاقات ناخوشایند در زمان جنگ اجتناب‌ناپذیر است. بر اساس همین فرض هم عنوان «شرایط جنگی» در بین آن‌ها رایج شده که توجیه‌کننده اعمالی غیرانسانی است. با نگاهی واقع‌بینانه، تا چه حد بنظر شما این نظر، به حقیقت نزدیک است؟

آیا جنگ بهانه‌ای است برای این‌که، حقوق انسان و مراقبت‌های شهروندی (حقوق شهروندی) نقض شوند؟

فلسفه وجودی وجود حقوق بشر دوستانه، کاهش آلام ناشی از جنگ، کمک به قربانیان جنگ و حمایت از گروه‌های مختلف در جنگ است. مهمترین قاعده موجود در حقوق بین‌الملل بشر دوستانه که جنبه قاعده‌آمره پیدا کرده و نقض آن مشمول عناوین مجرمانه در حقوق بین‌الملل است، تفکیک بین نظامیان فعال در مخاصمه و غیر نظامیان می‌باشد.

حتی رویه قضایی بین‌المللی مبین حمایت زائدالوصف، از جمعیت و اماکن غیرنظامی می‌باشد، که در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری برای یوگسلاوی سابق، نمود بارزی یافته است. مضاف بر این شرط «Martens Claus» در حقوق بین‌الملل معاصر، از بارزترین قواعد انسانی ناظر بر مخاصمات مسلحانه است. بر اساس این شرط، حتی در جایی که مقرر و قراردادی نسبت به وضعیت‌های خاص وجود ندارد، غیرنظامیان و نظامیان، تحت حمایت رویه‌های مسلم اصول انسانی و وجدانی می‌باشند. لذا توجیه نقض حقوق انسانی اشخاصی، که ترک مخاصمه نموده نظیر اسرا و غیرنظامیان، اصولاً در حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، قابلیت استماع ندارد.

آقای پورمحمدی در بخشی از مصاحبه خود با «نشریه مثلث» می‌گوید: «انتظار دارند من وسط میدان جنگ از بحث‌های حقوقی و مراقبت‌های حقوق شهروندی و انسانی حرف بزنم؟ من تو خاکریز هستم و دارم تیراندازی می‌کنم» آیا افرادی که در یک هیات قضایی، درباره جان و سرنوشت زندانیان تصمیم می‌گیرند، می‌توانند خود را در جایگاه یک سرباز نظامی ببینند و قوانین جنگ را بر دستگاه قضا حاکم کنند؟

آن‌چه که در خصوص ادعای آقای پورمحمدی حائز اهمیت است، تعیین وضعیت زمانی و مکانی ناظر بر موضوع است. آیا واقعا در مرداد و شهریور ۱۳۶۷ در شهر تهران، که





بیشتر اعدام‌ها آن‌جا رخ داده، مخاصمه مسلحانه فعالی وجود داشته است؟ آیا شهر تهران به طور مستقیم درگیر مخاصمه بود؟ با لحاظ شواهد و اسناد موجود، هیچ‌گونه مخاصمه‌ای در شهر تهران، در مفهوم ادعایی پورمحمدی وجود نداشته و اصولا حقوق ناظر بر مخاصمات مسلحانه قابلیت اعمال ندارد.

هر چند که بر فرض وجود مخاصمه، بازهم توجیهی برای محاکمه بدون حداقل‌های دادرسی وجود ندارد. با لحاظ وجود صلح در آن زمان و تسلط کامل دولت بر شهر و بخصوص بازداشت‌گاه و زندان‌های امنیتی، ذکر چند نکته حیاتی است.

– عمده زندانیان اعدام شده از سالیان قبل، در حال سپری کردن محکومیت خود بوده و یا بعضا محکومیت حبس آنان به اتمام رسیده بود.

– دولت جمهوری اسلامی بنابر حقوق بین‌الملل، ملزم به رعایت میثاقین بین‌المللی حقوق بشر، از جمله احترام به حق بنیادین حیات و تضمین حق بر دادرسی منصفانه برای متهمان بوده است.

– در میان زندانیان اعدامی، ترکیبی از هواداران و اعضای احزاب سیاسی مختلف، اعم از سازمان چریک‌های فدایی، حزب توده و گروه‌های قومی وجود داشته است. هر چند که اکثریت این زندانیان را هواداران سازمان مجاهدین خلق تشکیل می‌دادند.

با وجود مراتب از نظر گذشته، این نکته بدیهی است، که حقوق حاکم بر مقطع زمانی موصوف حقوق بین‌الملل بشر بوده است. اما آیا دولت می‌توانسته تعهدات خود، نسب به میثاق حقوق مدنی و سیاسی را بنابر اوضاع و احوال تعلیق کند؟

بند ۱ ماده ۴ میثاق، این امکان را صرفا محدود به زمانی می‌داند که خطر استثنایی و فوق‌العاده، موجودیت ملت را تهدید کند و این موضوع رسماً اعلام شود. اما بند دوم همین ماده، حقوق بنیادینی را از شمول این تعلیق مستثنی دانسته است. که از جمله این حقوق حق حیات، رهایی از شکنجه، حق آزادی فکر و وجدان می‌باشد. این حقوق تحت هیچ شرایطی، قابل تعلیق نیست و دولت‌ها

مکلف به رعایت آن هستند.

ادعای پور محمدی منطبق با هیچ یک از شرایط پیش‌بینی شده در میثاق نبوده و صرفا کلی‌گویی و ربط دادن بلاوجه وضعیت‌های مختلف حقوقی به یکدیگر است.

به طور مشخص آقای پورمحمدی به زندانی‌های مربوط به «گروه مجاهدین خلق» اشاره کرد و بخصوص آن دسته از زندانیان، که در زمان انجام عملیات مرصاد در زندان بودند و با این‌حال اعدام شدند. در منابعی برای توجیه اعدام این دسته از زندانیان، خوشحالی تعدادی از آن‌ها در زمان آغاز عملیات مرصاد عنوان شده است. تا چه حد این ادعا درست است؟ در صورت درست بودن آیا صدور حکم مرگ این زندانیان را توجیه می‌کند؟

حداقل تضمینات ناظر بر حقوق متهم، در این مورد رعایت نشده و عناوین اتهامی کلی، بدون مصداق مشخص بر افراد بار شده است. این‌که زندانیانی از انجام عملیات مرصاد ابراز شادمانی کرده باشند، اصولا نمی‌تواند منطبق با هیچ عنوان مجرمانه‌ای باشد و حتی نقض قاعده فقهی «قبح عقاب» بلا بیان می‌باشد.

بنابر اسناد و شواهد موجود هیچ یک از زندانیان اعدامی، دسترسی به وکیل و مشاوره حقوقی نداشته‌اند، اعضای هیات محاکمه، عمدتا فاقد تحصیلات حقوقی بوده، وحدت مقام تعقیب، تحقیق و محاکمه وجود داشته و در نهایت دادگاه عمدتا، بجای نقش یک محکمه صالح، نقش ماشین تصفیه یک نظام ایدولوژیک را دارا بوده است.

جان کلام آن‌که پورمحمدی هیچ‌گاه، دارای تحصیلات حقوقی در مفهوم حداقلی نبوده و عمده تجربه اجرایی وی نیز، در سمت‌های متعدد امنیتی بوده است. نگاه نامبرده به موضوعات سیاسی، اساسا یک نگاه تماما امنیتی است که هیچ نگرش مخالفی را بر نمی‌تابد. او با تاسی از فقه سیاسی روح‌الله خمینی، مخالف را محکوم به حذف می‌داند. ارتباط نزدیک وی با شخص رهبر، همواره تعیین‌کننده مشی امنیتی و خشن وی، در سمت‌های متعدد اجرایی بوده است.

## دادرسی عادلانه را نمی‌توان به بهانه شرایط اضطرار نادیده گرفت

بشر و قواعد حقوق بین‌الملل قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه ایجاد کرده است.

این دیدگاه که «حقوق بشر در مخاصمه مسلحانه» به حقوق بشر دوستانه اشاره دارد در حدی وسیع مقبول واقع شده است.

در حالی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بردارنده مهمترین حقوق بنیادین بشر در زمان صلح است، در آن هیچ تکلیفی صریح در ارتباط با رعایت قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل مشاهده نمی‌شود. مع‌الوصف، با توجه به عضویت دولت ایران در بسیاری از معاهدات بین‌المللی، از جمله کنوانسیون‌های ژنو، التزام به تعهدات ناشی از آن‌ها از لوازم این عضویت است (کنوانسیون وین، مربوط به سال ۱۹۶۹ و در ماده ۲۶ ضمن آن‌که لزوم پایبندی به تعهدات پذیرفته شده و وفای به عهد و پیمان از مسلمات حقوق اسلامی نیز می‌باشد).

با توجه به گفتگوی اخیر آقای پورمحمدی با «نشریه مثلث» به نظر شما زندانیانی که در زمان عملیات «مرصاد» یا «فروغ جاویدان» در زندان بودند، شامل زندانیان جنگ، اسرای جنگ و یا نیروهای نظامی می‌شوند؟

زندانانی که در زمان عملیات مرصاد در زندان بودند، اگر در حین عملیات جنگی بازداشت نشده باشند، شامل زندانیان جنگ، اسرای جنگ و نیروهای نظامی نمی‌شوند. چرا که هر

آیا وقتی صحبت از «شرایط اضطرار» می‌کنیم، به معنی این است که قوانین معینی برای آن تعیین شده و به در چنین شرایطی، فعال می‌شوند؟ به عقیده فرشته تابانیان وکیل دادگستری، طبق قوانین ایران هیچ کس حق ندارد، قوانین را به حالت تعلیق درآورد، بنابراین قوانین در شرایط اضطرار نیز باید اجرا شوند.

«مجله حقوق ما» در گفت‌وگو با این وکیل دادگستری، نخست درباره اعلامیه حقوق بشر و پروتکل‌های مربوط به جنگ پرسید:

دوازدهم اوت ۱۹۴۹ پروتکل‌های الحاقی اعلامیه جهانی حقوق بشر مربوط به قوانین بشردوستانه در جنگ به تایید رسید. چه کشورهایی ملزم به رعایت این قوانین هستند و آیا جمهوری اسلامی ایران هم در بین این کشورهاست؟

دولت ایران در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۷ این پروتکل را امضا و در اردیبهشت ۱۳۵۴ تصویب کرد. در ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حقوق بشردوستانه که با یک وضعیت استثنایی، یعنی جنگ سر و کار دارد، هیچ تخلفی از مقررات آن از هر نوع که باشد مجاز نیست.

حقوق بشر دوستانه، یک حقوق اضطراری قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه است که کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی ژنو ۱۹۷۷ مهمترین منابع آن را تشکیل می‌دهند. این حقوق، در واقع، پلی بین دکتترین حقوق





کدام از این عناوین، تعاریف خاص خود را دارند.

زندانیان جنگ و اسرای جنگ شامل کسانی‌ست که در حین عملیات نظامی یا مسلحانه و در زمان جنگ بازداشت شوند. در این مورد زندانیان مجاهدین، اگر در حین عملیات مسلحانه بازداشت می‌شدند، جز اسرای جنگ محسوب می‌شوند.

اسرای نظامی نیز کاملاً مشخص است، کسانی که در یکی از نیروهای نظامی عضویت داشته باشند، جز نیروهای نظامی محسوب می‌شوند و اگر بازداشت شوند، جز اسرای جنگی محسوب می‌شوند.

**نظر شما درباره دادگاه‌های جنگی چیست؟ با چه معیاری افراد غیرنظامی زندانی، احتمال دارد در یک دادگاه نظامی و با قوانین چنین دادگاه‌هایی، محاکمه شوند و آیا فردی که در یک هیات قضایی درباره جان و سرنوشت زندانیان تصمیم می‌گیرد، می‌تواند خود را در جایگاه یک سرباز نظامی ببیند و قوانین جنگ را بر دستگاه قضا حاکم کند؟**

اصولاً دادگاه جنگی برای افراد غیرنظامی در قانون پذیرفته نشده است. این‌که غیرنظامیان را بخواهیم با قوانین نظامیان محاکمه کنیم، در قواعد حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری، به هیچ عنوان پذیرفته شده نیست.

**آیا شرایط اضطرار عمومی مثل جنگ یا ترور، می‌تواند**

**محرومیت متهم از حقوق ابتدایی‌اش، مانند دادرسی عادلانه یا نقض اصل شخصی بودن جرم و مجازات را توجیه کند و به مجازات دسته‌جمعی مشروعیت قانونی ببخشد؟**

جرم، مسئولیت کیفری و مجازات، سه ضلع طلایی حقوق کیفری است. اعمال مجازات به احراز مسئولیت کیفری و احراز آن به احراز مجرمیت منوط است. مجرمیت، دو جنبه مادی و روانی دارد و تا زمانی که آن دو احراز نگردد، محقق نمی‌شود. اما مسئولیت کیفری، جنبه موضوعی و مادی ندارد، بلکه جنبه کاملاً شخصی و روانی دارد. سن، عقل، آگاهی و اختیار، ارکان مسئولیت کیفری است.

در روزگار باستان، افزون بر عامل ارتکاب جرم (مجرم)، بستگان او نیز مسئول بودند، اما به موجب یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری، مقرر شد که هر کس باید خود پاسخگوی اعمال مجرمانه منتسب به خود باشد. این اصل، «اصل شخصی‌بودن مسئولیت کیفری» نام دارد.

در هر صورت نمی‌توان منکر حقوق ابتدایی متهم مانند دادرسی عادلانه شد. در قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران، حق دادرسی عادلانه و همچنین اصل شخصی بودن جرم و مجازات به رسمیت شناخته شده است. طبق قوانین ایران هیچ کس حق ندارد که قوانین را به حالت تعلیق درآورد و چون در ایران به رسمیت شناخته شده است پس حتی در شرایط اضطراری نیز باید اجرا شود.

## اصل شخصی‌بودن جرم را حتی در شرایط اضطرار نمی‌توان نقض کرد

«مستثنی یا مصونیت از مجازات در مقابل دفاع مشروع» است.

به این صورت که اگر کشوری بخواهد به کشور دیگر حمله کند، کشور مورد هجوم، این حق را دارد که از خودش دفاع کند. در این جنگ‌ها و حمله ممکن است افرادی بازداشت شوند یا گروگان گرفته شوند. تا زمانی که کسی اسلحه دارد و حمله می‌کند، برای کشور مقابل این حق وجود دارد که از خودش دفاع کند. ولی وقتی عده‌ای را بازداشت می‌کنند یا به گروگان می‌گیرند، این حق از بین می‌رود چون پس از آن زمان، حمله‌ای وجود ندارد که بخواهیم دفاع کنیم.

بخصوص در بحثی که آقای پورمحمدی مطرح کرده است، صحبت از یک دولت بیگانه با مردمانی بیگانه نبوده، بلکه افراد بازداشت شده تابعیت ایران داشتند. حالا وقتی برگردیم به سوال به این نتیجه می‌رسیم که صحبت آقای پورمحمدی درست نیست و در هر شرایطی باید مسائل بشردوستانه در جنگ، در نظر گرفته شود. ما یک بحث «حقوق بشر» و یک بحث «قوانین بشردوستانه» داریم.

قوانین بشردوستانه مربوط به جنگ است. بنابراین دولت ایران می‌بایست این قوانین را رعایت می‌کرد. آقای پورمحمدی و دیگران اگر جز آن هیئت بودند (که بودند) وظیفه‌شان اجرای عدالت، جلوگیری از انجام اعمال خلاف قانون و خلاف موازین حقوق بشر و قوانین بشردوستانه بوده است. ولی ایشان این کار انجام ندادند، برعکس دستور اعدام هزاران نفر را صادر کردند.

*اخیراً «مصطفی پورمحمدی»، مشاور رئیس قوه‌قضائیه و وزیر سابق دادگستری، گفتگوی مفصلی با «نشریه مثلث» داشته است که در بخشی از آن به موضوع اعدام‌های گسترده سال ۶۷ پرداخته شده است. او در این گفتگو با دفاع قاطع از عملکرد خویش و هیئت قضات، مدعی شده است که این مجاهدین و یا به گفته او «منافقین» هستند که باید پاسخگو باشند. پورمحمدی البته سه سال قبل هم به مشارکت در اجرای حکم اعدام این محبوسین، افتخار کرده بود. در این باره، با محمد مصطفایی، حقوق‌دان، گفت‌وگویی داشتیم که در ذیل می‌خوانید:*

**آقای پورمحمدی، در گفتگو با هفته نامه مثلث با دستاویز قرار دادن شرایط جنگی، کشتار ۶۷ و خصوصاً اعدام‌های پس از عملیات مرصاد را بخشی از جنگ خوانده و رعایت موازین حقوق بشر در این شرایط را تلویحاً مسخره دانسته است. قبل از این‌که از شما درباره موضوع جنگ و قوانینی که در جریان آن باید رعایت شود سوال کنم، خواهش می‌کنم بفرمایید آیا اساساً با توجه به استانداردهای همان زمان، زندانیانی که در زمان عملیات مرصاد در زندان بودند، شامل زندانیان جنگ، اسرای جنگ و یا نیروهای نظامی می‌شوند؟**

یک اصلی در حقوق داریم که جامع و فراگیر است و خیلی از کشورها به نوعی ملزم‌اند این اصل را رعایت کنند. آن هم اصل





سیاست‌مداران و نظامیان معمولا اذعان می‌کنند که اتفاقات ناخوشایند در زمان جنگ اجتناب‌ناپذیر است. بر اساس همین فرض هم عنوان «شرایط جنگی» در بین آن‌ها رایج شده که توجیه‌کننده اعمالی غیرانسانی است. با نگاهی واقع‌بینانه، تا چه حد بنظر شما این نظر، به حقیقت نزدیک است؟ آیا جنگ بهانه‌ای است برای این‌که، حقوق انسان و مراقبت‌های شهروندی (حقوق شهروندی) نقض شوند؟

شاید این نگاه در صد سال پیش واقع‌بینانه بود به دلیل کینه و کدورت‌هایی که سیاست‌مدارن و نظامیان، نسبت به دشمنان‌شان داشتند. ولی در دهه‌های گذشته، بخصوص بعد از جنگ جهانی دوم، شرایط فرق کرد. به این صورت که، مسائل انسانی بیشتر مورد توجه قرار گرفت و تلاش شد از بروز جنگ‌ها اجتناب شود. کشورها و جامعه بشری به سمت اعمال موازین حقوق بشر و قوانینی که مرتبط به حفظ حقوق بشر و احترام به آزادی‌هاست رفتند.

در زمان کنونی، ما نمی‌توانیم جنگ را بهانه قرار بدهیم برای این‌که حقوق انسان‌ها را از بین ببریم. این درست نیست که انسان‌های بی‌گناه، قربانی تصمیم‌های سیاست‌مداران و نظامیان باشند. به نظر من، این نگاه در حال حاضر واقع‌بینانه نیست. به خصوص این‌که وقتی جنگ بین دو کشور در می‌گیرد، هر دو کشور، نسبت به خسارات و از دست رفته‌های خود، یکسری احساساتی دارند. ولی باید این احساسات را کنترل کنند و مسئله دفاع را یک‌طرف و حفظ حقوق انسانها را طرف دیگر قرار دهند.

تا زمانی که اصول دفاع حاکم است، در مقابل مهاجم دفاع کنند ولی وقتی که شرایط دفاع از بین رفت، به اصول حقوق بشر متکی شوند. به عنوان مثال زمانی که عده‌ای به گروگان و یا به اسارت گرفته می‌شوند، آن‌ها را به دلیل شرکت در جنگ، اعدام نکنند.

**آقای پورمحمدی در بخشی از مصاحبه خود با «نشریه مثلث» می‌گوید: «انتظار دارند من وسط میدان جنگ از بحث‌های حقوقی و مراقبت‌های حقوق شهروندی و انسانی حرف بزنم؟ من تو خاکریز هستم و دارم تیراندازی می‌کنم» آیا افرادی که در یک هیات قضایی، درباره جان و سرنوشت زندانیان تصمیم می‌گیرند،**

**می‌توانند خود را در جایگاه یک سرباز نظامی ببینند و قوانین جنگ را بر دستگاه قضا حاکم کنند؟**

نه، اتفاقا من نظرم عکس نظر آقای پورمحمدی است. برای این‌که وقتی کسی در جایگاه قضاوت قرار می‌گیرد باید بی‌طرف باشد و مراقب مسائل انسانی و حقوق بشر باشد. من فکر می‌کنم آقای پورمحمدی بیشتر به دلیل حفظ جایگاه و موقعیت خودشان، این دستورات را صادر کرده‌اند. بیاپید یک مقایسه کنیم بین تصمیم آقای پورمحمدی و تصمیمی که آیت‌الله منتظری گرفتند. آقای منتظری در آن شرایط تصمیمی گرفتند، که باعث شد ایشان به عنوان رهبر انتخاب نشوند. ایشان از جمله کسانی بودند که می‌توانستند حتی جای آقای خامنه‌ای را بگیرند. ولی به دلیل این‌که در آن زمان، با اعدام زندانیان سیاسی مخالفت کردند، به مرور از صفحه سیاست کنار گذاشته شدند. ولی می‌بینیم که آقای پورمحمدی و دیگر اعضای هیئت قضات، از جمله آقای «رئیسی»، بعدها پست‌های دیگری گرفتند و در جایگاه بهتری بودند، رییس دفتر شدند و وزیر شدند، رییس قوه قضاییه شدند ... این‌ها نشان می‌دهد که آقای پورمحمدی، صرفا به دلیل حفظ جایگاه خودشان این تصمیمات را گرفتند

به طور مشخص آقای پورمحمدی به زندانی‌های مربوط به «گروه مجاهدین خلق» اشاره کرد و بخصوص آن دسته از زندانیان، که در زمان انجام عملیات مرصاد در زندان بودند و با این‌حال اعدام شدند. در منابعی برای توجیه اعدام این دسته از زندانیان، خوشحالی تعدادی از آن‌ها در زمان آغاز عملیات مرصاد عنوان شده است. تا چه حد این ادعا درست است؟ در صورت درست بودن آیا صدور حکم مرگ این زندانیان را توجیه می‌کند؟

به هیچ عنوان! حتی اگر به خاطر وقوع یک عملیاتی، زندانی در زندان خوشحالی کند، این دلیل بر این نمی‌شود که ما حقوقش را زیر پا بذاریم و یا قوانین غیر بشری را نسبت به این افراد اعمال کنیم. هر زندانی و هر کسی که بازداشت شده است دارای حق و حقوقی است. به خصوص این‌که مدارک نشان می‌دهد در سال ۶۷ نسبت به این افرادی که اعدام شدند، دادرسی عادلانه صورت نگرفته است.

این‌ها هیچکدام از حق استفاده از وکیل برخوردار نبودند و نمی‌توانستند از خودشان دفاع کنند. بیشتر این پرونده‌ها جنبه سیاسی داشته و هنوز هم جنبه سیاسی دارد. دولت ایران بیش از این‌که از یک فرد واهمه داشته باشد، از یک گروه واهمه دارد. مثلا در اینجا زندانیان وابسته به گروه مجاهدین

بودند که قربانی شدند.

من پرونده‌هایی داشتم که به عنوان مثال در یکی از آن‌ها صرفا یک جوان، ایمیلی به یک نفر در خارج از کشور زده بود، بدون این‌که بداند این فرد عضو مجاهدین خلق است. فقط به دلیل همین ایمیل‌ها او را به مجازات بسیار سنگینی محکوم کردند. تنها کاری که دولت جمهوری اسلامی، در قوه قضاییه و دستگاه امنیتی می‌کند ایجاد محدودیت‌های بسیار زیاد و اعمال مجازات‌های سنگین است. افرادی که به نوعی مخالف سیاسی هستند و می‌بینیم که فقط گروه‌های سیاسی مخالف نیستند که تحت فشار قرار می‌گیرند، بلکه خیلی از فعالین حقوق بشر و خبرنگاران هم قربانی می‌شوند، تحت فشار قرار می‌گیرند و با بازداشت‌های غیرقانونی، دادرسی‌های غیر عادلانه و در نهایت احکام بسیار سنگین مواجه می‌شوند.

**آیا شرایط «اضطراب عمومی» مثل جنگ یا ترور، می‌تواند محرومیت متهم از حقوق ابتدایی‌اش، مانند دادرسی عادلانه یا نقض اصل «شخصی بودن جرم و مجازات» را توجیه کند و به مجازات دسته‌جمعی مشروعیت قانونی ببخشد؟**

خیر، ببینید! اگر یک نفر در شرایط اضطراری که واقعا قابل توجیه باشد، یا حمله تروریستی، نقشی کلیدی داشته باشد، احتمال دارد محدودیت‌هایی نسبت به او اعمال شود، مثلا این‌که بازداشت موقت بشود.

ولی این بدین معنی نیست که ما دادرسی عادلانه نسبت به این فرد نداشته باشیم. بازداشت او باید بر اساس موازین قانونی باشد و حتما وکیل داشته باشد. به هیچ عنوان ما نمی‌توانیم، اصل شخصی بودن جرم را حتی در شرایط اضطراب نقض کنیم. اگر مثلا من مرتکب یک عمل غیرقانونی شوم، برای هیچ فرد و دولتی این حق وجود ندارد که خانواده من را تحت فشار قرار بدهد. می‌بایست تمام اصول را محترم بشماریم حتی در شرایط اضطراب عمومی و جنگ، نه این‌که اول بیاییم یک گروه یا یک فردی را بازداشت کنیم، بعد از طریق شکنجه اقرار بگیریم و بعد محکوم کنیم.

یک نمونه که می‌توانم مثال بزنم که البته ارتباطی با جنگ ندارد و مربوط به ترور است، مورد مازیار ابراهیمی است. ایشان اخیرا آزاد شدند و در آلمان هستند. صحبت‌های ایشان نشان می‌دهد که به شکل غیرقانونی بازداشت شده و تحت





شکنجه قرار گرفته است. در مقابل دوربین اقرار کرده، ولی بعد با توجه به اینکه بی گناه بود، به نوعی با تعهد آزاد شده به این شرط که در این باره حرفی نزنند. در هر حال، او از ایران خارج شد و شروع کرد به افشاگری درباره این که، بی گناه بوده است، تحت شکنجه قرار گرفته و از او اقرار گرفته‌اند که دانشمندان هسته‌ای را ترور کرده است.

**آقای پورمحمدی در گفتگوی مورد بحث ما، و اساسا در روش حکومتی جمهوری اسلامی در ۴۰ سال گذشته، ما شاهد هستیم که آراء و احکام امنیتی صادر شده در یک وحدت رویه کلی، کتمان شده و یا به آنها پرداخته نشده است، حتی در گفتمان مقام‌هایی که در سال‌های اخیر در این باره صحبت کرده‌اند، کمتر مطرح شده‌اند. دلیل این مسئله و محدود شدن گفتمان‌ها درباره اعدام‌های دهه شصت و سال‌های اول بعد از انقلاب ۵۷ را چه می‌دانید؟**

اولا که هیچ توجیهی ندارد. به دلیل این که اگر ما به قانون اساسی هم مراجعه کنیم که اصل ۱۶۸ قانون اساسی است در آن عنوان شده، محاکمات مربوط به مطبوعات و جرائم سیاسی می‌بایست به صورت عمومی و علنی، و با حضور هیئت منصفه صورت بگیرد.

این نشان می‌دهد وقتی که یک نفر و یا عده‌ای در رابطه با مسائل سیاسی بازداشت می‌شوند، می‌بایست پرونده آن‌ها علنی و بصورت شفاف مورد بررسی قرار بگیرد. ما می‌بینیم که در طول تاریخ جمهوری اسلامی چنین رویه‌ای وجود نداشته

است، بخصوص این که دادسرا و دادگاه‌های انقلاب واهمه دارند از این که حتی برگه اخطاریه را به متهم بدهند و یا حکم دادگاه و صورت جلسات آن را به متهم و یا وکیل او ارائه کنند. دلیل، آن است که اگر صورت جلسات را به متهم تحویل دهند، علنی خواهد شد که تا چه حد احکام بصورت ناعادلانه در ایران صادر می‌شود. در عمل می‌توان گفت، موارد بسیار نادری از احکام سیاسی هستند، که به صورت علنی به آنها پرداخته شده است. روش دادگاه‌های انقلاب همواره همین بوده است و این بر خلاف قانون است. باید نسخه‌ای از حکم به متهم یا وکیل وی ارائه شود.

طبعاً اگر نسخه‌ای از احکام در دسترس باشد، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، کارشناسان در مورد آن‌ها بحث می‌کنند و موارد غیرقانونی حکم صادره را معین می‌کنند. اما نظام جمهوری اسلامی و دادگاه‌های انقلاب مربوطه‌اش و به همین صورت دستگاه‌های امنیتی، همیشه خواسته‌اند که اعمال و فعالیت‌های غیرقانونی‌شان را به نوعی کتمان کنند.

طبعاً اگر فردی و یا بخشی از این سیستم قضایی بخواهد، خارج از این رویه کار کند و یا شفاف احکام را بصورت دقیق و کامل ارائه کند، با مشکل مواجه خواهد شد و برای او و یا آن بخش، موانع بسیاری ایجاد خواهند کرد. به همین دلیل است که گردش کار و روند تشخیص و تعیین و صدور حکم را کتمان کرده و بسیاری از افرادی که مورد بازجویی، بازداشت و یا در نهایت برای آن‌ها حکم صادر می‌شود، در خفا و سکوت کامل و بدون این که اطلاعاتی به بیرون درز کند با محکومیت‌شان روبرو شده و یا خواهند شد.

## مطرح کردن شرایط جنگی برای توجیه اعدام‌های ۶۷، بهانه است



در تمام این سال‌ها مسئولین جمهوری اسلامی، هیچ‌گاه به صورت روشن به موضوع اعدام دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ نپرداخته‌اند.

در موارد نادری که به این مسئله پرداخته شده، موضوع زندانیان مربوط به سازمان مجاهدین خلق و پیوند زدن این اعدام‌ها به عملیات فروغ جاویدان/مرصاد مطرح شده است.

این در حالی است که تعداد زیادی از افراد، با گرایش و عقاید دیگر در زندان‌های ایران، صرفاً به دلیل داشتن یک عقیده اعدام شدند که حتی ربطی به عملیات مرصاد و مجاهدین خلق نداشتند و دارای گرایش‌های عموماً چپ بودند.

کاوه شهروز، وکیل ساکن در تورنتو، معتقد است پرداختن به این دسته زندانیان می‌تواند ماهیت جنایت‌های رفته بر همه زندانیان اعدام شده را روشن کند زیرا نشان‌دهنده این است که موضوع اضطرار و جنگ برای نقض حقوق زندانیان صرفاً بهانه است.

در ادامه، گفت‌وگوی مجله حقوق ما را با کاوه شهروز می‌خوانید:

**در گفت‌وگوی آقای پورمحمدی با نشریه مثلث عملاً به زندانیان وابسته به گروه‌هایی غیر از مجاهدین خلق اشاره‌ای نشد. دلیل این مسئله و محدود کردن موضوع به اعدام مجاهدین خلق پس از عملیات فروغ جاویدان / مرصاد را چه می‌دانید؟**

دلیل خیلی واضحی دارد که به زندانی‌های غیرمجاهد اشاره نمی‌شود. جمهوری اسلامی تمام استدلالش این است که ما سربازان مجاهدین خلق را کشته‌ایم. اما وقتی می‌بینید در عمل چپ‌ها، که هیچ رابطه خوبی با مجاهدین نداشتند هم اعدام شده‌اند، به دروغ‌های آن‌ها پی می‌برید.

زندانیان چپ به‌طور مسلم هیچ نقشی در عملیات مرصاد نداشتند و مثلا برخی آن‌هایی که در تهران اعدام شدند، نه جز سازمان مجاهدین بودند نه در جبهه جنگ بودند و نه اصلا نزدیک به منطقه جنگی بودند.

این نشان دهنده استفاده ابزاری نظام از جنگ، برای به‌وجود آوردن یک دلیل واهی برای اعدام‌ها است. به همین دلیل صحبتی از این افراد نمی‌کنند. به نظرم این سوال شما مهم است. ما باید تا حد ممکن درباره اعدام این افراد صحبت کنیم تا نشان بدهیم که جمهوری اسلامی چقدر حقوق بشر را زیر پا گذاشته است.

سیاست‌مداران و نظامیان معمولا اذعان می‌کنند که اتفاقات ناخوشایند در زمان جنگ اجتناب‌ناپذیر است. بر اساس همین فرض هم عنوان «شرایط جنگی» در بین آن‌ها رایج است که توجیه کننده اعمالی غیر انسانی است. تا چه حد به‌نظر شما این نظر به حقیقت نزدیک است؟ آیا جنگ بهانه‌ایی است برای این‌که حقوق انسان و مراقبت‌های شهروندی (حقوق شهروندی) نقض شوند؟

خیلی‌ها به وضعیت جنگ استناد می‌کنند؛ نه تنها جمهوری اسلامی، بلکه تمام رژیم‌هایی که می‌خواهند حقوق بشر را نقض کنند، خیلی وقت‌ها به وضعیت نظامی استناد می‌کنند و می‌گویند این شرایط باعث شده است ما حقوق بشر را زیرپا بگذاریم.

اما باید این را بدانیم که حداقل، کنوانسیون ژنو تاکید دارد که یک زندانی جنگ هم حقوقی دارد و در جنگ، یک ارتش، مجاز به انجام هرکاری نیست.

برای مثال، شما در جنگ نمی‌توانید مردم بی‌گناه را بمباران کنید یا یک اسیر جنگی را بی‌دلیل اعدام کنید، بلکه باید در یک اردوگاه یا زندان نگهداری شود و البته دارای حقوقی است. در ایران به این قوانین به هیچ وجه احترام گذاشته نشده است. این‌که آقای پورمحمدی به وضعیت جنگی اشاره می‌کند یک دروغ واضح است و از نظر قانونی دفاع محسوب نمی‌شود.

**آقای پورمحمدی کشتار ۶۷ و خصوصا اعدام‌های پس از عملیات «فروغ جاویدان» یا «مرصاد» را بخشی از جنگ خوانده و رعایت موازین حقوق بشر را در این شرایط ،تلویحا مسخره دانسته است.** آیا اساسا با توجه به استانداردهای همان زمان، زندانیانی که در زمان

اجرا شد
دادگاه انقلاب اسلامی پس از ۹ ساعت رسیدگی و شور برای خود را با اتفاق آراء صادر کرد

دستور
امام خمینی
در باره مؤسسه اطلاعات
در شماره ۱۱ اسفند ماه ۱۳۶۴ - شماره ۱۰۸۰۰ - شماره ۱۵ دی ماه ۱۳۶۴

اطلاعات

تیرباران ۷ تن دیگر از عاملان کشتار مردم اعدام شدگان در آخرین دقایق چه گفتند و چه کردند

سرتیپ یزدجردی قبل از اعدام
بناک پاسدار حمله کرد تا با گرفتن اسلحه او و کشتن افراد بگریزد
شکجه گریزوف ساواک به جنایاتی که کرده بود اعتراف نمود
سالار جاف گفت اگر رئیس مجلس مرا فریب نداد، بود فرار می‌کردم
فرماندار نظام سابق تیریز من جز استلاده از اسلحه و کشتن مردم کاری نمیتوانستم بکنم

تکلیف انقلاب
بر کتیت ها حق دخالت در امور دولتی، قضایی، آرز و نصب افراد با ندارد
در ماهروان کتیت ها تنها به دستور ریاستی میتوانست اقدامات را بکنند
در ۳۰ تیر فرار می‌کردیم
اتفاقش با بعضی سربازان تیریز بود و باقی‌ها را اعدام کردند

اعدام شدگان:
سرتیپ یزدجردی و رئیس اسبق دادرس ارتش
سرتیپان جوان تیریز و رئیس سابق دادگاه عالی ارتش
سرتیپان تیمارداری فرماندار نظامی سابق تیریز
سرتیپ یزدجردی فرماندار نظامی سابق مشهد
سرتیپان زمانی و رئیس و ستانچهره زاهدان سیاسی قفس
سالار جاف نماینده سابق مجلس
جوانان تیریز، چپا کتیریز، جانی و همسران و ساواک
در شماره ۱۱

می‌بینید در عمل در زندان اوین، گوهردشت یا اطراف تهران، هیچ اسیری از جبهه جنگ به آن‌جا منتقل نشده است. متأسفانه تمام اسرا را همان‌جا اعدام کردند. همان‌طور که گفتم، خیلی از این زندانیان، سال‌ها محبوس بودند و هیچ فعالیت نظامی نکرده بودند.

عده‌ای از آن‌ها حتی، مجازت‌شان تمام شده بود. یعنی مثلا یک‌نفر را سال ۶۰ گرفته بودند و به پنج سال زندان محکوم کرده بودند، ولی بدون هیچ دلیلی این فرد را تا سال ۶۷ در زندان نگه داشته بودند و سال ۶۷ هم اعدامش کردند. بنابراین حرف آقای پورمحمدی به هیچ وجه حقیقت ندارد.

به طور مشخص آقای پورمحمدی به زندانی‌های مربوط به مجاهدین خلق اشاره کرد، بخصوص آن دسته از زندانیان که در زمان انجام عملیات در زندان بودند و با این‌حال اعدام شدند. در برخی منابع برای توجیه اعدام

این دسته از زندانیان، خوشحالی تعدادی از آنها برای اجرای عملیات مرصاد عنوان شده است. تا چه حد این ادعا درست است؟ در صورت درست بودن آیا محاکمه این زندانیان را توجیه می‌کند؟

نمی‌دانم دید زندانی‌های آن زمان، نسبت به حرکت مسلحانه سازمان مجاهدین چه بوده است. شاید یک عده‌ای از آنها، از حمله حمایت می‌کردند. اما حمایت‌شان در زندان، دلیل بر این نمی‌شود که بتوان آن‌ها را محاکمه کرد.

اگر این زندانیان نگاهشان به سازمان مجاهدین مثبت بوده باشد، این دلیل بر قتل‌عام آن‌ها نیست. ولی همان‌طور که گفتم هیچ ارتباطی بین این زندانیان، سازمان مجاهدین و حمله نظامی این سازمان به خاک ایران نبوده است. در ادامه این را بگویم، که اگر حتی دولت ایران می‌خواست به وضعیت جنگ استناد کند، باید این افراد را محاکمه می‌کرد و می‌پرسید که آیا هر زندانی، نقشی در جنگ داشته یا نداشته است؟ اسلحه دست گرفته و در مقابل ارتش ایران جنگیده است؟ اما در عمل این‌طور نبود.

«هیئت مرگ» در آن زمان از زندانی‌ها معمولا فقط یکی دو سوال می‌پرسیدند . این‌که مسلمان هستند و این‌که هنوز به موضع سابق خود معتقد هستند یا خیر. یعنی سوالات ربطی به وضعیت جنگ نداشت. مثلا اگر کسی می‌گفت من مسلمان هستم اما هنوز به سازمان مجاهدین اعتقاد دارم، همین کافی بود برای این‌که آن فرد را اعدام کنند.

**آیا شرایط اضطرار عمومی مثل جنگ یا ترور، می‌تواند محرومیت متهم از حقوق ابتدایی‌اش، مانند دادرسی عادلانه یا نقض اصل شخصی بودن جرم و مجازات را توجیه کند و به مجازات دسته‌جمعی مشروعیت قانونی ببخشد؟**

در زمان جنگ عموما دولت‌ها این امکان را دارا هستند که به برخی موارد حقوقی احترام کمتری بگذارند. اما یک‌سری حقوق وجود دارند که در هیچ وضعیتی نمی‌توان از آن‌ها صرف‌نظر کرد. مثل حق محاکمه عادلانه و آزادی اعتقادات. شما در اعدام‌های سال ۶۷ می‌بینید که حکومت ایران، تمام قوانین بین‌الملل را زیرپا گذاشته است. شما اگر به میثاق حقوق مدنی سازمان ملل نگاه کنید که ایران آن را امضا کرده، در آن پیمان نامه گفته شده که یک‌سری از حقوق را حتی در زمان جنگ و اضطرار اجتماعی هم نمی‌توان زیر پا گذاشت.



حقوق ما

## ما از عدالت سهمی داریم

## دو هفته نامه الكترونيكي تخصصي حقوق بشر

## صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

## سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)

